



واکنش به پیشنهاد میر حسین موسوی برای رفراندوم

هادی طحان، نظیف، عضو حقوقدان و سخنگوی شورای نگهبان در نشست خبری روز گذشته گفت: «طرح «تشدید مجازات جاسوسی و همکاری با رژیم صهیونیستی و کشورهای متخاصم علیه امنیت و منافع ملی» که چندی پیش به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده بود، در جلسه شورای نگهبان مورد بررسی قرار گرفت. در نتیجه بررسی‌های صورت گرفته این مصوبه برای رفع برخی ابهامات و اشکالات به مجلس برگشت داده شد که پس از اصلاحات صورت گرفته مجدداً در شورای نگهبان بررسی شد، تعدادی از ایرادات و ابهامات رفع شده و همچنان برخی ابهامات و اشکالات باقی مانده که برای رفع آنها به مجلس برگشت داده شد.» وی در پاسخ به سوالی درباره نظر شورای نگهبان در خصوص برگزاری انتخابات میان دوره‌ای مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری به‌صورت تمام الکترونیک گفت: «شورای نگهبان نسبت به انتخابات شورای اسلامی شهر و روستا ورود ندارد، اما انبساط به برگزاری انتخابات میان دوره‌ای مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری که هم‌زمان با انتخابات شوراها خواهد بود به‌صورت تمام الکترونیک باید عرض کنم که رویکرد کلی ما مثبت است و از این موضوع استقبال می‌کنیم و در این خصوص جلساتی برگزار شد و نکاتی هم که ما داشتیم در آن جلسات به عزیزان وزارت کشور منتقل کرده‌ایم. امیدواریم که شرایط شورای نگهبان که به تضمین امنیت آراء می‌انجامد مراعات شود و ما ان شاء الله بتوانیم موافقت نهایی خودمان را با برگزاری انتخابات میان دوره‌ای مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری به‌صورت تمام الکترونیک اعلام کنیم.» طحان نظیف در خصوص برخی از اظهارات مبنی بر تشکیل مجلس مؤسسان و برگزاری رفراندوم گفت: «از کجا معلوم به نتیجه پایند باشند و نتیجه را بپذیرند، کسانی که در یک انتخابات معمولی به قانون تمکین نکردند و حتی به پیشنهادات خودشان پایبند نبودند، حالا حرف از برگزاری رفراندوم می‌زنند.» وی درباره اعلام ستاد انتخابات وزارت کشور مبنی بر برگزاری جلسات مشترک با شورای نگهبان گفت: «در این جلسات در خصوص برگزاری هم‌زمان انتخابات شورای شهر و روستا با انتخابات میان دوره‌ای مجلس شورای اسلامی در ۵ حوزه انتخابیه و همچنین در صورت موافقت هیئت رئیسه مجلس خبرگان رهبری برگزاری انتخابات میان دوره‌ای این مجلس در سه حوزه انتخابیه بحث و گفت‌وگو کرده‌ایم.» وی در پاسخ به این پرسش که آیا با توجه به قضایای بودن لایحه مقابله با انتشار محتوای خبری خلاف واقع در فضای مجازی، امکان استرداد آن توسط رئیس جمهوری وجود دارد؟ اظهار کرد: «این بحث فعلاً میان مجلس و دولت مطرح است و موضوع تابع مقررات و آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی است. در این رابطه نیز تفسیری از قانون اساسی نداریم؛ با عنایت به قضایای بودن لایحه اگر در خواست تفسیری نسبت به قانون اساسی وجود داشته باشد آن را بررسی خواهیم کرد، لکن تاکنون چنین درخواستی از ما صورت نگرفته است.»

به تنظیمات کارخانه برنگردیم

علی ربیعی، دستیار اجتماعی رئیس جمهور در حساب کاربری خود در ایکس با یادآوری اینکه با تفکرها و ساختارهای پیش از بحران نمی‌توان به مسائل حین و پس از بحران پاسخ داد، نوشت: «هیچ سیستم و نظامی پیش و پس از بحران یکسان نخواهد بود. تجارب تاریخی و علمی این ضرورت را تحمیل گرانه نشان می‌دهد که با تفکرها و ساختارهای پیش از بحران - به خصوص جنگ نمی‌توان به مسائل حین و پس از بحران پاسخ داد. این به معنای بحرانی جدید است. به تنظیمات کارخانه برنگردیم.»

ادامه سر مقاله

چون معتقدیم مسائل مهم روشن است و دیدگاه اکثریت مردم هم به نسبت پنهان و پوشیده نیست و اگر اراده‌ای به پذیرش نگاه مردم و خواست مردم تعلق گیرد، به سهولت و بدون ارجاع به رفراندوم می‌توان آن را شناخت و محقق کرد. بنابراین، نیازی نیست که نگران پیشنهادهایی از این نوع بود. بهتر است به جای دادن پاسخی احتجاجی، از موضع حقوقی پاسخ داد؛ چون با آن راحت‌تر می‌توان از پذیرش این پیشنهاد استنکاف نمود.



عکس: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

احیای شورای دفاع

بازخوانی تاریخی نهاد شورای عالی دفاع و نسبت آن با تشکیل نهاد جدید

سال ۱۳۶۲ به این شرح صادر کردند: «جناب حجت‌الاسلام آقای هاشمی‌فسنجانی ایده الله تعالی. جناب‌عالی را به سمت فرماندهی دنباله عملیات والفجر نصب کردم. توفیق و پیروزی قوای اسلام را بر کفر از خداوند تعالی خواستارم. ۳۰ بهمن ۱۳۶۲. روح الله الموسوی الخمینی و همین نشان می‌دهد شورای عالی دفاع بیشتر جنبه هماهنگی دولت و نیروهای مسلح را داشته نه هدایت و فرماندهی. سال‌های جنگ چندان جلوه بیرونی نداشت و مسایل جنگ یا از زبان رئیس جمهور (آیت‌الله خامنه‌ای) شنیده می‌شد یا هاشمی‌فسنجانی که سخن گوی آن بود و هر دو هم از تربیون نماز جمعه استفاده می‌کردند.

هاشمی‌فسنجانی و شورای عالی دفاع

هاشمی خود در گفت‌وگوی تفصیلی در دفتر اول مجموعه تاریخ شفاهی عصر انقلاب و جنگ و در فصل اول آن که به جنگ ایران و عراق اختصاص دارد از شورایی می‌گوید که برای اداره جنگ تشکیل شد و به یاد نمی‌آورد همان شورای عالی دفاع بود یا نه و حضور خود را به اعتبار ریاست مجلس اعلام می‌کند: «این که همان شورای عالی دفاع بود یا نه را به یاد ندارم. آنچه یادم هست این است که امام شورایی تشکیل دادند که ترکیبی بود از مقامات دی‌ری و نظامیان. بعداً من سخن‌گوی شورای عالی دفاع هم شدم اما در آن مقطع مسؤولیت اجرایی در جنگ نداشتم. در این مقطع بنی‌صدر جانشین فرماندهی کل نیروهای مسلح بود و اطلاعات را گزینش شده به ما می‌رساند. تا این که قبل از عملیات خبر فرماده جنگ شدم.»

در ادامه اما باز به شورایی عالی دفاع اشاره می‌کند و می‌گوید: «موقعی که در شورای عالی دفاع بودیم من نفر اول جنگ نبودم. آن موقع شاید نفر اول آقای بنی‌صدر بود. فرمانده کل قوا بود. رئیس جمهور هم بود ولی بعداً وقتی فرماندهی جنگ را امام به من محول کردند طبعاً دیگر در میدان من نفر اول بودم لااقل اسمی. یعنی از سال سوم جنگ.» این در حالی است که حکم امام به هاشمی به عنوان جانشین فرماندهی کل قوا در سال آخر جنگ صادر شد ولی او عملاً از سال سوم در این جایگاه قرار گرفته بود و همین گواه دیگری

نخستین نمایندگان امام خمینی در شورای عالی دفاع آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای با سابقه یک دوره کوتاه فرماندهی کل سپاه و چند ماه معاونت وزارت دفاع در دولت موقت و دکتر مصطفی چمران وزیر دفاع دولت موقت و پس از آن دولت شورای انقلاب بودند.

پس از ریاست جمهوری آیت‌الله خامنه‌ای چون از عضویت به ریاست آن رسیده بودند هاشمی‌فسنجانی به عنوان نماینده امام در شورای عالی دفاع منصوب و مدتی سخنگوی آن هم شد. در پیش‌نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که به امضای اولیه امام خمینی و مراجع ثلاث قم (آیات: شریعتمداری و گلپایگانی و نجفی‌مرعشی) رسیده و هنوز اصل ولایت‌فقیه به آن اضافه نشده بود فرماندهی کل نیروهای مسلح بر عهده رئیس جمهوری بود اما در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی که به خبرگان قانون اساسی شهرت یافت، بخشی از اختیارات رئیس جمهوری به رهبری انتقال یافت و تنها ارتباط رئیس جمهوری با نیروهای مسلح از طریق وزارت دفاع بود که عملاً نقش پشتیبانی نیروهای مسلح و تدارکات آنها را بر عهده داشت و دارد و همچون پنتاگون در آمریکا نیست و به همین خاطر عنوان آن بعد از ادغام دو وزارتخانه دفاع و سپاه پاسداران به دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح تغییر یافت.

با این حال ریاست شورای عالی دفاع بر عهده رئیس جمهوری گذاشته شد و در این جایگاه نیروهای مسلح تحت امر قرار می‌گرفتند. امام خمینی البته فرماندهی کل قوا را به اولین رئیس جمهوری تفویض کرد و تا چند روز قبل از عزل ابوالحسن بنی‌صدر هم رئیس جمهوری بود و هم فرمانده کل قوا و ترجیح می‌داد در امور نظامی از این عنوان استفاده کند و نه ریاست شورای عالی دفاع.

دوران ریاست جمهوری محمدعلی رجایی به یک ماه هم نرسید تا مشخص شود فرماندهی کل قوا به او تفویض خواهد شد یا نه و طی ۸ سال ریاست جمهوری آیت‌الله خامنه‌ای اگر چه از ایشان به عنوان رئیس شورای عالی دفاع یاد می‌شد ولی امام خمینی اداره جنگ را مشترکاً به او و هاشمی‌فسنجانی سپرده بود و به زبان دیگر به شورای عالی دفاع اعتبار می‌بخشیدند نه آن که از آن کسب اعتبار کنند. در برخی از عملیات نظامی هم امام مستقیماً هاشمی‌فسنجانی را به فرماندهی منصوب می‌کردند و مشهورتر از همه حکمی است که در

شورای دفاع در وهله نخست یادآور شورای عالی دفاع است که تا قبل از بازنگری در قانون اساسی در آن ریاست بود و فرمانده کل قوا دو نماینده در آن داشت.

نخستین نمایندگان امام خمینی در شورای عالی دفاع آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای با سابقه یک دوره کوتاه فرماندهی کل سپاه و چند ماه معاونت وزارت دفاع در دولت موقت و دکتر مصطفی چمران وزیر دفاع دولت موقت و پس از آن دولت شورای انقلاب بودند.

پس از ریاست جمهوری آیت‌الله خامنه‌ای چون از عضویت به ریاست آن رسیده بودند هاشمی‌فسنجانی به عنوان نماینده امام در شورای عالی دفاع منصوب و مدتی سخنگوی آن هم شد.

پس از ریاست جمهوری آیت‌الله خامنه‌ای چون از عضویت به ریاست آن رسیده بودند هاشمی‌فسنجانی به عنوان نماینده امام در شورای عالی دفاع منصوب و مدتی سخنگوی آن هم شد.

پس از ریاست جمهوری آیت‌الله خامنه‌ای چون از عضویت به ریاست آن رسیده بودند هاشمی‌فسنجانی به عنوان نماینده امام در شورای عالی دفاع منصوب و مدتی سخنگوی آن هم شد.

پس از ریاست جمهوری آیت‌الله خامنه‌ای چون از عضویت به ریاست آن رسیده بودند هاشمی‌فسنجانی به عنوان نماینده امام در شورای عالی دفاع منصوب و مدتی سخنگوی آن هم شد.

خبر تشکیل «شورای دفاع» به عنوان یک شورای جدید با مأموریت‌های راهبردی در حوزه سیاست‌های دفاعی از چند منظر اهمیت دارد. نخست از این وجه که هم‌زمان با خبر «نهایی شدن تغییرات ساختاری در شورای عالی امنیت ملی» و قطعی شدن انتصاب علی لاریجانی به دبیری این شورا اعلام شده است. هرچند هنوز درباره جزئیات آن اطلاعات کاملی منتشر نشده اما اگر عنوان آن همین «شورای دفاع» باشد و نه مانند قبل از قانون اساسی ۶۸ «شورای عالی دفاع» قاعدتاً ذیل شورای عالی امنیت ملی تعریف خواهد شد و ریاست آن طبعاً با رئیس جمهوری نخواهد بود چون رئیس جمهوری رئیس شورای عالی امنیت ملی است و به خاطر آن که در قانون اساسی ۶۸ شورای عالی دفاع سابق گسترش یافت و به شورای عالی امنیت ملی تبدیل شد شورایی جدید نمی‌تواند به موازات شورای عالی امنیت ملی شکل گیرد. این احتمال هم متصور است که تأکید رسانه‌های اصول‌گرا بر تشکیل شورای دفاع و قبل از رسمیت یافتن دبیری علی لاریجانی به قصد کم‌رنگ کردن این رخداد صورت پذیرفته باشد چرا که بازگشت او به سطح بالایی تصمیم‌گیری بعد از ۵ سال که از پایان ۱۲ سال ریاست او بر سه دوره مجلس شورای اسلامی و دوبار دصلاحیت برای انتخابات ریاست جمهوری می‌گذرد خبر خوشایندی برای اصول‌گرایان رادیکالی نیست که ۲۲ بهمن ۱۳۹۱ او را در قم و در حالی که نماینده آن شهر و رئیس مجلس بود با سنگ و مَهر بدرقه کردند و انگار می‌خواهند شورای عالی امنیت ملی تحت مدیریت او را به دیواره نظامی و سیاسی تقسیم و از اولی با عنوان شورای دفاع یاد کنند.

شورای عالی دفاع از ۵۸ تا ۶۸

با این حال شورای دفاع در وهله نخست یادآور شورای عالی دفاع است که تا قبل از بازنگری در قانون اساسی در سال ۶۸ ریاست آن با رئیس جمهوری بود و فرمانده کل قوا دو نماینده در آن داشت.

پس از ریاست جمهوری آیت‌الله خامنه‌ای چون از عضویت به ریاست آن رسیده بودند هاشمی‌فسنجانی به عنوان نماینده امام در شورای عالی دفاع منصوب و مدتی سخنگوی آن هم شد.

پس از ریاست جمهوری آیت‌الله خامنه‌ای چون از عضویت به ریاست آن رسیده بودند هاشمی‌فسنجانی به عنوان نماینده امام در شورای عالی دفاع منصوب و مدتی سخنگوی آن هم شد.

پس از ریاست جمهوری آیت‌الله خامنه‌ای چون از عضویت به ریاست آن رسیده بودند هاشمی‌فسنجانی به عنوان نماینده امام در شورای عالی دفاع منصوب و مدتی سخنگوی آن هم شد.

ایران. نفوذی اما از نقشه خود پانس نمی‌کشد. برخی داد و فریاد می‌کنند. میهن را آغل می‌نامند. خود را مامور خدای می‌خوانند. طرح می‌دهند و لای چرخ سربازان میدان دیپلماسی چوب می‌اندازند. و فراتر از اینها، لایحه‌ای گردو خاک گرفته را از بایگانی در می‌آورند و روی میز رئیس جمهور می‌گذارند برای امضاء. دولت نهاد ریاست جمهوری هم که چنان از بزرگان خالی است و «جودهای جهان‌شناس» جای خود را به «جغرفهای زیان‌باز» داده‌اند که بی‌آنکه بدانند چه چیز در لایحه هست، آن را تأیید می‌کنند و لابد یکدیگر را تحسین هم می‌کنند. چنین است که چنان لایحه‌ای از ۹ لایه دولت و نهاد ریاست جمهوری می‌گذرد و راهی مجلس می‌شود؛ چنان که پسر پزشک‌یان نوشت. چنین است که نفوذی موفق می‌شود. عموم نخبگان و رسانه‌ها و هم‌راهان دولت - این ریسمان ضعیف‌پيوند با حکومت - را بر آبر آن قرار می‌دهد و شکافی پرناشدنی میان‌شان می‌اندازد. توقف و استرداد لایحه، این بار کار نفوذی‌ها را ناتمام گذاشت. اما نفوذی‌ها مشغول کارند. با آرامش. در مصونیت تمام. با بودجه و امکانات. تندروها هم آب به آسیاب‌شان می‌ریزند (اگر نگوئیم همکارند). اما بدتر از تندروها، بوروکراسی استعلا مزده و

ساساتیان. تعارض و درگیری و ستیز درونی چنان بالا گرفت که راه فتح بر اعراب گشوده بود. نیروی مسلح تنها مانده بود در میدان. ستیز اصلی در قصر بود و در ایالات که پیشاپیش به نفع فاتحان رقم خورده بود. همچون ایران تنهای پایان صفوی؛ چنان فرسوده بود که برای افتادش تلنگر محمود افغانی کفایت می‌کرد. همچون ایران تنهای شهر یور ۱۳۲۰ که سربازان گرسنه و بی لباس به جای مرز در شهر می‌گشتند و اگر نبود بزرگمردی چون محمدعلی فروغی، ایرانی نمی‌ماند. همانطور که عثمانی در جنگ جهانگیر اول تکه‌پاره شد، ایران هم پس از جنگ جهانگیر دوم نمی‌ماند.

نفوذی‌ها ایران تنها را می‌خواهند. ایرانی که ایرانیان را از آن خود ندانند و زیر چکمه بیگانه سپارند. در جنگ ۱۲ روزه این نقشه نفوذی‌ها بر آب شد. ایرانیان ایستادند برای ایران. چه آن سیاستمداری که در زندان بود، چه آن داد‌خواه مقتولان زنجیر‌های که باز داد خواست، چه آن دخترکان بی حجاب و کم‌حجابی که انبوه پیامک‌ها را در گوشی‌هایشان داشتند، چه آن روزنامه‌نگاران و نویسندگان و طراحانی که هر روز با تماسی و احضار و شکایتی مواجه بودند. همه ایستادند برای

حالت بدبینانه کدام است؟ اینکه همین واکنش شمارا هم نفوذی‌ها تهیه و تدارک دیده باشند. همان‌هایی که از بروز و ظهور اتحاد ملی در روزهای جنگ وحشت دارند. دل بسته بودند به اکثریت ناراضی. برای سرنوشتی، چشم داشتند به مردمان که بر یزد به خیابان. همان حرفی که مدتی قبل مسعود پزشکیان زد. هدف و خواست دشمن اما برآورده نشد. اکثریت قریب به اتفاق نیروهای سیاسی و فکری جامعه پای میهن ایستادند. همه اعتراضات، تقابل‌ها و تضادهای خود را کنار گذاشتند و به میدان آمدند؛ چنان که مقام رهبری گفت. این همراهی بهنگام ملت و حکومت در دفاع از میهن، اما خواست نفوذی‌ها نیست. آنها این همه سال کار کرده‌اند و عرق ریخته‌اند تا میان ایران و ایرانیان شکاف اندازه‌ند. به هر لباس درآمده‌اند. خالص‌سازی را تنبویزه و اجرا کرده‌اند تا در لحظه نهایی، ایران تنها بماند. نه فقط از بیرون و در سطح بین‌الملل که دچار «نتهایی استراتژیک» است و هیچ متحد و همراه جدی ندارد. نفوذی مأموریت دارد و در بسیاری موارد مصونیت دارد تا از درون هم، ایران را تنها کند. ایرانی که ایرانیان را نخواهند. همچون زمان حضور بیگلتان در پایان عمر

یادداشت
سردبیر